

# اسلام

و

# دانش

«قسمت ششم»

نگار استاد فریدون سپهری  
نویسنده و محقق - کرمانشاه

قرآن تبعیت ظنی را مذموم می‌شمارد و بسیاری از انحرافات عقیده‌ای، اجتماعی، فرهنگی و... را زائیده آن می‌داند.

«ما لهم به من علم الا اتباع الظن»<sup>(۱)</sup>؛ جز پیروی از گمان خود به آن دانشی نداشتند.

این نوع پیروی از عقاید و رسوم آباء و اجدادی و خود را در اسارت افکار و عقیده‌های پیشینیان قرار دادن، روانها را به زنجیر می‌کشد و جوامع مختلف را از گسستن زنجیرهای اسارت‌بار جهل و ضلالت باز می‌دارد.

دلالت ظنی زمانی راهگشا خواهد بود که تمام دریچه‌های علمی و معرفت به رویمان بسته شده باشد. آن‌سانکه در برابر پیامبران، دانشمندان و اصلاحگران موضعگیری می‌کنند راهی جز «گمان» را نمی‌شناسند و دانایان مغرض و آگاه توده عوام راهی این مسیرند!

«و ما لهم بذلک من علم ان هم الا یظنون»<sup>(۲)</sup>؛ هیچ نوع علمی نسبت به آن (حشر و نشر مردگان) نداشتند و آنان گمان‌کنندگانی بیش نبودند.

انبیاء که قافله‌سالاران فکری و عملی بشرند بسیار کوشیدند که آدمیان را از چاه خودمحوری و

تنگ‌نظری نجات دهند و افقهای باز دانش و معرفت و اندیشه‌های توحیدی را به رویشان باز کنند؛ اما گروه کثیری به بی‌راهه می‌روند و جز تقلید کورکورانه و ظن و گمان خویش، راهی را نمی‌شناسند!

تبعیت علمی، انسان را از شک و تردید، نجات می‌دهد و به آدمی نیروی پایداری و تفکر درست می‌بخشد و درهای ضلالت و انحراف فکری را به رویش می‌بندد و او را آرمان‌گرا و با هدف می‌سازد. «نبیونی بعلم ان کنتم صادقین»<sup>(۳)</sup>؛ اگر راست می‌گویید (و دلیل مستند و قطعی دارید) مرا از روی علم و دانش (از آن حجت و برهان) بیاگاهانید.

علمی که «صدق» ضامن آن است نمی‌تواند بر خلاف مصالح و منافع بشری کاربردی داشته باشد و هیچگاه حقیقت را نمی‌پوشاند و ارزشها را زیر سؤال نمی‌برد. محوریت صادق بودن عالم، ما را از هر نوع واکنش ضد انسانی و اسارت فکری و عملی نجات می‌دهد. وارستگان و دانشمندان خطوط اولیه پیشرفتهای علمی و توحیدی، پالایشگران پرتوان راست‌گفتار و نیک‌کردارند که از حریم پاک علم و آزادگی دفاع می‌کنند و پرده‌های جهل را یکی پس از دیگری، کنار می‌زنند.

آنگاه که عالمان صادق به اکتشاف و اختراع می‌پردازند، بشریت را از زندان خودخواهیها و هوسها، نجات می‌دهند و خود نیز بر سکوی افتخار و آزادگی می‌نشینند.

علم، موهبت الهی است که آدمی را به شاهراه حیات فرا می‌خواند و هر کس را یارای سرکشیدن پیمانۀ این فضل و عنایت نیست. گسستن بندهای اسارت‌بار قومی و افکار و اندیشه‌های نادرست گذشتگان، از عالیترین جلوه حقانیت علم است؛ ابراهیم خلیل به پدرش آذر می‌گوید: «یا ایت انی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی اهدک صراطاً سوياً»<sup>(۴)</sup>؛ ای پدر (بدانکه) دانشی از وحی الهی به

## تبعیت

علمی، انسان را از شک و تردید، نجات می‌دهد و به آدمی نیروی پایداری و تفکر درست می‌بخشد و درهای ضلالت و انحراف فکری را به رویش می‌بندد و او را آرمان‌گرا و با هدف می‌سازد.

۱- نساء: ۱۵۷. ۲- جاثیه: ۲۴.  
۳- انعام: ۱۴۳. ۴- مریم: ۴۳.

بلقیس هنگامی که تخت خود را در محضر سلیمان نبی دید با ظرافت خاصی چنین گفت: «و اوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین»<sup>(۲)</sup>؛ و پیش از این (معجزه آوردن تخت) هم (از حقانیت سلیمان) آگاهی داشته و از زمره تسلیم شدگان (او) بوده ایم. قاطعیت علمی ما را به پذیرفتن، و ادار می کند و همه تلاشهای پیامبران الهی و اندیشمندان جهان فضل و علم بر این تسلیم شدن، صحه می گذارند. دانشی که نتواند روانها را به حرکت درآورد، دانش حقیقی نیست و پژوهشگران سخت کوش، هیچگاه از زیر بار مسؤلیت و پذیرش حق، سر باز نزده اند! آنگاه که روح آدمی از قید و بند جهل و ناصواب آزاد می شود، ملکه قبول حق بر او چیره می گردد و تاریکیهای درون، روشن خواهد شد.

قرآن به ما می گوید که عالمان حقیقی به خدا توکل می کنند و علم در زبان تکوینی و تشریحی، به آدمی اعتماد به خود و توکل به خدا، می بخشد. «وسع ربنا کل شیء علماً علی الله توکلنا»<sup>(۳)</sup>؛ علم پروردگار ما همه چیز را در برگرفته است، ما (تنها) بر خدا توکل می کنیم.

خود را به خدا سپردن و تکیه بر عنایت و فضل حضرتش نمودن از ویژگیهای وارستگان معبد علم و معرفت است و کسانی که به دنیا و زرق و برق هایش دل می بندند نمی توانند نیایشگران حقیقی معبد علم باشند. تکیه بر حق یعنی زدودن همه آثار نفس گرایی و بی بندوباریهای فرهنگ تظاهر و ریا. جز عالمان صدر نشین و پژوهشگران با معرفت و تلاشگر کسی را یارای ورود به حوزه قداست اعتماد و توکل به حضرت حق نیست.

قرآن با بلاغت ویژه ای تقارن «شکر و علم» را به تصویر می کشد و عالمان باید شاکر نعمتهای خدایی باشند که بر سفره هستی گسترده شده اند. خداوند که آفریننده هستی است خود نیز شاکر و علیم است. «ما یفعل الله بعدابکم ان شکرتم و آمنتم و کان

من رسیده است که تواز آن آگاهی نداری پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.

علم دارای درجات مختلفی است و هر کس به گونه و نوعی از آن بهره مند می گردد.

قرآن علم را پشتیبان «حق» می داند و در سلسله مکونات، دانش بشری بر محوریت «حقیقوی» می چرخد و دانشمندان و فرهیختگان حقیقی، مسیری جز اکتشاف و اختراع را نمی شناسند. «و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید»<sup>(۱)</sup>؛ کسانی که فرزانه و آگاهند، آنچه را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، حق می بینند و راهنمای راه خدای چیره و ستوده می دانند.

علمی که آدمی را به رؤیت عینی، مکاشفه ای و اعتقادی برساند و او را از قید و بند وسوسه ها و شکها آزاد کند تقارن علم و حق، ما را به نبردی جانانه بر ضد جهالتها و ناحقها فرا می خواند. و راست قامتان تاریخ، انبیاء و تلاشگران اهل علم، جز در مسیر حق؛ راه نمی پویند و فضل نمی جویند. دنیا در مدار کشف و اختراع از مقارنه علم و حق، خاطره ها در ضمیر دارد و چه اندیشمندانی که برای پاسداری از حق و تسخیر سنگرهای علمی، جان خویش را فدا کردند و چهره علم را با خون خویش رنگ آمیزی کردند.

همه پویندگان راستین جهان فضل و معرفت بر محوری بودن «علم و حق» می زیند و تاریخ بشریت، حیات علم پژوهانی چون دکارت، کانت، مالبرانش، اسپینوزا، ابن سینا، فارابی، زکریای رازی و صدها سنگر نشین دانش را پر از مخاطره ها و تلاشهای طاقت فرسا، به تصویر می کشد. تقابل علم و حق نوعی ارتباط در خلقت را نشان می دهد که در پدیده های آفرینش هیچ دانشی بیرون از مدار حق و انسجام سیستماتیکی نیست.

علم، درهای پذیرش و تسلیم شدن در برابر حق را به روی آدمی می گشاید و پویندگان وادی حقیقت، هیچگاه علیه منطق دانش موضعگیری نمی کنند و با جهل، سر سازش ندارند.

✓ علم،

درهای پذیرش و

تسلیم شدن در

برابر حق را به روی

آدمی می گشاید و

پویندگان وادی

حقیقت، هیچگاه

علیه منطق دانش

موضعگیری

نمی کنند و با جهل،

سر سازش ندارند.

نمایند. این نوع علم، پالایشی است که صحنه روانمان را از تردیدها پاک می‌کند و دل را از قید و بندهای افکار شیطانی نجات می‌دهد.

آیات خدا را شنیدن و به آن ایمان آوردن و دل بستن، به علمی موهبتی نیازمند است که در صدر و سینه شکزدایی کند و عوامل مخرب و دشمن معنویت و کلام حق را از اندرون ما براند.

قرآن، راسخون در علم را بگونه‌ای به تصویر می‌کشد که ثابت‌قدمان وارسته و متفکری هستند که همه آیات محکم و متشابه را از جانب مرکز وحی می‌دانند و در وجودشان هیچگونه شک و ابهامی در این باره به تصور نمی‌آید. «والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب»<sup>(۴)</sup> استوارقدمان در دانش می‌گویند: ما به همه آنها (محکمت و متشابهات) ایمان داریم، همه از سوی خدای ما است و جز خردمندان به این موضوع آگاهی ندارند.

راسخان در علم که اهل بینش و فضیلتند به تأویل متشابهات نمی‌پردازند هر چند به اندازه وسعت فکر و صلاحیت علمی و روحی تا حدودی از تأویل آنها آگاه باشند.

تقسیم قرآن به محکمت و متشابهات، ما را با اندیشه باز در افق گسترده آیات آشنا می‌کند که محکمت، اصل و مرجعند و تأویل بردار نیستند و متشابهات، از مقوله رازند که تأویل گران برای مقاصدشان به آنها روی می‌آورند و راه شبهه و فتنه‌گری را می‌پیمایند و ایجاد می‌کنند. «فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویل»<sup>(۵)</sup>.

اگر «والراسخون فی العلم» به «الله» معطوف شود عظمت علم و ادراک آدمی در شناخت مفاهیم و معانی آیات صد چندان جلوه‌گر خواهد شد که خداوند برای راست‌قدمان معرفت‌شناس، وسیله فهم و درک این معانی ماورایی را در اختیارشان

الله شاکراً علیماً»<sup>(۱)</sup>؛ خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان بیاورید؟ پروردگار شکرگزار (طاعت و عبادت بندگان و) آگاه (از اعمال و نیات همگان) است. شاکران، عالمانِ عامل و عاملانِ عالمنده که خویشتن خویش را به خطوط منظم تسبیح کائنات می‌پیوندند و درهای فیض و رحمت الهی را به روی خویش می‌گشایند.

شکر و علم، دو خصلت از مقدر آفرینشند که شکرگزاران، نسبت به علم خویش سپاسگوی خالقند و کانالهای ارزشی را به روی انسانها باز می‌کنند. در قرآن به ما آموزش داده می‌شود که تناسبی تنگاتنگ بین تقوا و قوه شنیدن و علم وجود دارد و پرهیزگاران باید بدانند که خداوند نسبت به آنان شنوا و دانا است. «واتقوا الله ان الله سمیع علیم»<sup>(۲)</sup>؛ و از خدا بترسید (تقوا داشته باشید) زیرا خداوند (نسبت به گفتارتان) شنوا و آگاه (از کردارتان) است.

از این آیه استنباط می‌کنیم که باید رابطه‌ای بین نیروی شنیدن و ادراک و دانش و تقوا موجود باشد یعنی آنانکه از انتقام الهی می‌ترسند فرمانهای خدا را به گوش جان می‌شنوند و با علم و آگاهی به آنها عمل می‌کنند.

در حرکت بسوی عبودیت حق، حواس و نیروهای ظاهری و باطنی ما، عوامل اصلی رسیدن به دایره بندگی حضرت پروردگارند. در سینه‌های عالمان راستین و کاوشگران وادی معرفت، آیات روشن قرآن ثابت و استوار است. «بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم و ما یحجد بآیاتنا الا الظالمون»<sup>(۳)</sup>؛ و جز ستمگران آیات ما را انکار نمی‌کنند.

علم راستین دریچه‌های انوار حق را به رویمان می‌گشاید و فضای تاریک قلبهایمان را روشن می‌گرداند.

ستمگران که سخت قلبند نمی‌توانند به آن نوع آگاهی معنوی دست یابند که فضای ماورایی آیات را احساس کنند و خود را از وسوسه‌های نفس آزاد

✓ **تقسیم قرآن به محکمت و متشابهات، ما را با اندیشه باز در افق گسترده آیات آشنا می‌کند که محکمت، اصل و مرجعند و تأویل بردار نیستند و متشابهات، از مقوله رازند که تأویل گران برای مقاصدشان به آنها روی می‌آورند و راه شبهه و فتنه‌گری را می‌پیمایند و ایجاد می‌کنند.**

۱- نساء: ۱۴۷. ۲- حجرات: ۱.  
۳- عنکبوت: ۴۹. ۴- آل عمران: ۷.  
۵- آل عمران: ۷.

خواهد گذاشت و این همان «مخرجی» است که اهل تقوا از آن بهره‌مندند «و من یتق الله یجعل له مخرجاً»<sup>(۱)</sup>؛ هر کس از خدا بترسد و پرهیزگار باشد، خدا راه نجات و خروج (از هر تنگنایی) را برایش فراهم می‌سازد. «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم».

محوریان ژرف‌اندیش، در نبرد علمی خویش، می‌کوشند که آثار لذتهای نفسانی را از خویشتن خویش بزایند. و دیگران را نیز از چاه ضلالت و نادانی بیرون آورند. و هرگاه به آیات خدا می‌نگرند، احساس نزول آنی می‌کنند و دل‌هایشان را به زنجیره حیات معنویت می‌پیوندند.

و اگر تأویل آیات متشابه را به خدا منحصر کنیم حاکمیت مطلق پروردگار و علم بی‌پایانش بیشتر در ذهن مؤمنان تجلی می‌یابد و فرازبان معناشناس، محوریانند که می‌کوشند در برابر آیات الهی خاشع و خاضع باشند.

تأویل آیات متشابه را منحصر به خدا دانستن، مغایرتی با مسؤولیت انسان در برابر فهم و ادراک آیات حق ندارد، زیرا در سلسله قوانین تشریحی آنچه که بدان دست می‌آوریم محکومات الهی‌اند که ستونهای خانه حیات اهل معنایند و نظامات بشری نیز بر آنها استوارند. قرآن می‌خواهد ما را با هر دو نوع تعبیر و تفسیر آشنا کند و در نهایت نباید در آنچه که نمی‌فهمیم به تأویل روی آوریم. و آیات خدا را به میل و سلیقه خویش، تأویل نماییم.

مطلقیت علم حضرت ربوبیت، ایمان را به سویی می‌کشانند که حوزه آگاهی و ادراک انسان را در خطهای ترسیمی فراسو و مادی، محدود و محدودتر به تصویر می‌کشد. و عجز بشر در برابر شناخت و تفهیم آیات آفاقی و انفسی بیشتر آشکار می‌شود.

خلیفه الهی بشر، مفهومی جز، استفاده بهینه از دانش و آگاهی بر مبنای فرمانهای تکوینی و تشریحی الهی در بر نخواهد داشت. و علم آدمی باید در مسیر رضایت حق، حرکت کند و محصول آن هم مورد خشنودی پروردگار واقع شود. در

منطق علمی و نظری قرآن، دانش امانت است و خیانت در این امانت، گسستن زنجیر عبودیت و دوری از دایره ربوبیت الهی است.

آنانکه بر مسند علم تکیه می‌زنند و به حل معضلات فکری و عملی جهان می‌پردازند، فرازبان گنجور آسمان معرفتند که حقایق را می‌جویند و رازداران هنرمند کاشانه عشق و محبتند.

اسارت در امروز و فردا، اهل علم را به زانو در نمی‌آورد و دانش قرآنی همه درهای بردگی را به روی آدمیان می‌بندد و در فیض و رحمت حق را می‌گشاید.

قرآن مجید درباره قوم بنی اسرائیل و حرکت توحیدی موسی می‌گوید: «و لقد اخترناهم علی علم علی العالمین»<sup>(۲)</sup> این آیه، به دو گونه معنی می‌شود که در هر صورت، ارزش علم بیشتر آشکار می‌گردد: ۱- «ما بنی اسرائیل را آگاهانه بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم»؛ ۲- «آنان را در آن زمان، با علم و دانش بر عالمیان برگزیدیم».

خواه مرجع علم به خدا برگردد و خواه به قوم، تفاوت چندانی ندارد زیرا موضوع در شکوه و عظمت علم است.

در اسلام هر حرکتی که بر مبنای دانش انجام نپذیرد، عدول از مسیر حرکت توحیدی است و تکامل تدریجی اخلاقی و علمی جز اجرای مشیت حق نیست و در سلسله کائنات، همه موجودات از نوعی قانون علمی برخوردارند که در رده‌های مادون انسان به غریزه تعبیر می‌گردد، و جهان بر محور اراده حق می‌چرخد و قوانین و نوامیس آفرینشی، ما را به نوعی آگاهی می‌رسانند که محوریت علم بر همه امور هستی احاطه دارد و جهان را گریزی از این مشیت و اراده حق نخواهد بود.

دانشی که ما را از ادراک مسائل معنوی باز دارد، بار سنگینی است که تحمل آن طاقت‌فرسا است. پیامبران می‌کوشیدند که دانش الهی را پشتیبان

✓ جهان بر محور اراده حق می‌چرخد و قوانین و نوامیس آفرینشی، ما را به نوعی آگاهی می‌رسانند که محوریت علم بر همه امور هستی احاطه دارد و جهان را گریزی از این مشیت و اراده حق نخواهد بود.

حیات مادی به تصویر کشند ولی نابخردان دنیاپرست با معیارهای نفسانی به پیکار با صاحبان رأی و اندیشه معنوی می‌پرداختند و از پذیرش پیامهای حق سرباز می‌زدند. «فلما جائتهم رسلهم بالبینات فرحوا بما عندهم من العلم...»<sup>(۱)</sup>؛ هنگامی که پیامبران آنها آیات روشن و دلایل آشکاری برایشان می‌آوردند. به دانش و معلوماتی که خودشان (دربارۀ مظاهر دنیا) داشتند خوشحال و شاد می‌شدند (معارف وحی و علوم الهی را به بازیچه می‌گرفتند).

زشت‌ترین اندیشه آدمی، بکارگیری علم و بسط آن در خلاف جهت اوامر و نواهی الهی است. مؤمنان همواره از اینکه علم را در مسیر انحرافی و خارج از دایره‌های عبودیت و ربوبیت بکار گیرند هراس دارند و بندگی را در خلوص نیت و عمل در رضایت حضرت حق می‌دانند و هرگز نمی‌خواهند در جهت عوالم نفسانی و شیطانی قدم بردارند.

نوح که برای رهایی فرزندش دعا کرد و مورد مؤاخذه حضرت ربوبیت قرار گرفت، به خداوند چنین گفت: «قال رب انی اعوذ بك ان اسئلک ما لیس لی به علم و الا تفقرلی و ترحنی اکن من الخاسرین»<sup>(۲)</sup>؛ گفت پروردگارا به تو پناه می‌برم که چیزی را که نمی‌دانم از تو تقاضا کنم و اکنون اگر گناه مرا نبخشی و ترحم نفرمایی من از زیانکارانم.

سخن گفتن بر مبنای نادانی و گمان، آب در غربال شیطان ریختن است و عالمان تلاشگر هرگز بر خلاف مسلک علم و تقوا چیزی نمی‌گویند. تعهد در برابر دانشمندان ما را به نوعی حرکت آگاهانه فرا می‌خواند و دریچه فیض و رحمت حق را به رویمان می‌گشاید.

معناشناسان و گروندگان راستین معرفت، علم را بر مبنای خدامحوری می‌جویند و به علم به عنوان «وسیله» نگاه می‌کنند نه «هدف». آنگاه که دل به خداوند گرایید، دانش چراغ راه سالک خواهد بود و در انوار درخشان عالم است که پوششگر در کشف مبانی و اصول معرفتی و درک حقایق نسبی عالم به راههای نویی دست می‌یابد و اختراع و اکتشاف جز

حرکت از مجهول به معلوم نیست. رسیدن به مدارج و مقامات علمی به مشیت الهی و قضا و قدر حضرت ربوبیت بستگی دارد یعنی آنکه در کشف و فتح سنگرهای علمی قدم بر می‌دارد، بر طبق قانون قضا و قدر حرکت می‌کند و مشیت و اراده خداوند هم به این تعلق گرفته است که «و ان لیس للانسان الا ما سعی»<sup>(۳)</sup>؛ و برای انسان جز نتیجه کوشش نخواهد بود.

آنکه جوایز معرفت است و تلاش می‌کند با مشیت و عنایت حق به آن خواهد رسید و سیستم انتظام عمومی کائنات بر این هماهنگی استوار است که جهان مرکز تلاش و پیکار و نبرد با جهل و ستم و خودفریبی است.

قرآن می‌گوید که عالمان باید خود را به این هماهنگی و نظم بیوندند و از راه حق و عدالت منحرف نشوند «یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون»<sup>(۴)</sup>؛ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌آمیزید و کتمانش می‌کنید و حال آنکه شما می‌دانید (که عتاب و عذاب خدا در برابر چنین کاری چیست)؟

علم که سره را از ناسره جدا می‌کند، و قوانین هستی را تبیین، تعلیل و تحلیل می‌نماید، اگر با محبت حضرت حق به پیکار با جهل برخیزد، محوریت آنسویی می‌یابد و روح آدمی را صعود و تکامل می‌بخشد. گروندگان راستین حق هیچگاه علم را همراز شیطان و نفس نمی‌کنند و اسب سرکش آرزوها را در عرصه وجود به تاخت و تاز در نمی‌آورند.

آنانکه بر مرکب سرکش نفس می‌نشینند و در میدانهای شهوانی بر ارزشها می‌تازند و قداست علم را که موهبتی الهی است به مخاطره می‌اندازند، سیاهکاران وادی ضلالتند که بر دگه‌های شیطانی نشسته‌اند و فضایل و معارف انسانی را به تاراج می‌دهند و آنانکه دل را از

علم که سره را از ناسره جدا می‌کند، و قوانین هستی را تبیین، تعلیل و تحلیل می‌نماید، اگر با محبت حضرت حق به پیکار با جهل برخیزد، محوریت آنسویی می‌یابد و روح آدمی را صعود و تکامل می‌بخشد.

۱- غافر: ۸۳. ۲- هود: ۴۷. ۳- نجم: ۳۹. ۴- آل عمران: ۷۱.

وسوسه‌ها می‌شویند و از حریم معبد علم، محافظت می‌کنند راهیان سرزمین نورند که معراجیند و علم را از قربانی در مذبح بدکاران سپه‌رو، نجات می‌دهند.

دانش بشر جزئی است از صفت عالمی خداوند، علم الهی مرکز همه دانشها و آگاهیها است و وجود گرامی حضرت ربوبیت بر بیرون و درون آدمیان و همه قوانین خلقت آگاه است و ذره‌ای در جهانهای آن سو و این سو نیست که از حوزه علم خدا، بیرون باشد. «و الله يعلم ما تسرون و ما تعلنون»<sup>(۱)</sup>؛ خداوند آنچه را که پنهان می‌کنید و آشکار می‌نماید می‌داند.

چنین علمی، احاطه‌ای است که بر همه قوانین و نظامات پدیده‌های کائنات سیطره دارد و علم انسانی نیز اخگری است فروزان از انوار بی‌پایان علم و فضیلت پروردگار.

انسان که جانشین حق و خلیفه الله است، علم خود را از منبع و سرچشمه فیض حق می‌گیرد و به همین نسبت، مهبط نزول صفات جمال و جلال الهی است و چنین دانشی باید بشریت را به کشف نوامیس و قوانین هستی وادار کند و کوتاهی در این زمینه، انحراف از مکتب توحید و خداشناسی است.

خداوند گرچه از همه اتفاقات و جریانهای هستی و ظاهر و باطن آدمیان آگاه است ولی انسانها را می‌آزماید و آنان را به تبعیت از پیامبران فرا می‌خواند، قرآن در این باره می‌گوید: «و ما جعلنا القبله التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه»<sup>(۲)</sup>؛ و ما قبله‌ای را که بر آن بودی قبله ننمودیم مگر اینکه بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌نماید و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد و به عقب بر می‌گردد.

این نوع علم و دانستن الهی مسبوق به جهل و عدم آگاهی قبلی نیست و خداوند در همه حال و هر جا از همه حالات و چگونگیهای هستی و پدیده‌های خلقت اطلاع دارد و هیچ نوع تقدّم و تاخّر زمانی بر آن مترتب نخواهد بود.

امتحان الهی برای بکارگیری همه توان و استعدادهای مؤمنان است که به یاری حق برخیزند و از لشکر نور دفاع کنند.

پیامبران و مصلحان بزرگ سپاه نورند که حیات آدمیان را نورانی می‌نمایند: «و لنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين و نبلوا اخبارکم»<sup>(۳)</sup>؛ و البته ما شما را آزمایش می‌کنیم تا آنکه را در راه خدا مجاهده و کوشش می‌نماید و صبر می‌کند، معلوم

نماییم و اخبار و اظهارات شما را هم بیازماییم. قرآن در آیات متعددی به ما توصیه می‌کند به خلقت آسمانها و زمین و موجودات فراسوی و مادی بیندیشیم و با استعانت از پروردگار در سجه‌های علم و معرفت را به روی همگان بگشاییم و با حمایت از لشکریان نور از سنگرهای علمی حفاظت کنیم و خود را از زنجیرهای جهل و ضلالت آزاد نماییم.

محوریان معناشناس در دریای فضیلتها و ارزشها به شناوری می‌پردازند و گوهرهای دانش و فضیلت را از اعماق آن بدست می‌آورند و روش و طریق راهیان دانش جز کشف قوانین گیتی و حیات و اتصال وجود به سیستم منظم کائنات نبوده است و نخواهد بود.

اینک با استعانت از خداوند مئان در شماره‌های آینده درباره خدمات دانشمندان اسلامی به تاریخ و فرهنگ بشریت، خواهیم نوشت.

ادامه دارد...



انسان  
که جانشین حق و  
خلیفه الله است،  
علم خود را از منبع  
و سرچشمه فیض  
حق می‌گیرد و به  
همین نسبت، مهبط  
نزول صفات جمال  
و جلال الهی است  
و چنین دانشی باید  
بشریت را به کشف  
نوامیس و قوانین  
هستی وادار کند.